

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

طرح پیشنهادی کارگران اخراجی و بیکار باید پذیرفته شود

کارگران میخواهند خواسته‌هایشان همراه با طرح پیشنهادی از رادیو و تلویزیون پخش شود

توطئه علیه فدائیان توطئه علیه دمکراسی است

آیا امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا و سرمایه‌داران زمینداران غارتگر وابسته به آن که سالیان دراز به بیای فقر و فلاکت زحمتکشان مائروت اندوخته‌اند نیروی کار و منابع سرشار ما را غارت کرده‌اند، اینک همه امید های خود را برای حفظ منابع خویش از دست داده‌اند و دیگر هیچ تلاشی برای به بند کشیدن مردم ما نمی‌کنند؟ هر آدم عاقلی بخوبی می‌داند که چنین نیست و دشمن به این آسانها دست از سر مینماید که تاکنون بیش از هر کشور دیگر جهان به امپریالیسم سود رسانده است برخواهد داشت.

اگر چنین است پس بیایید ببینیم دشمن یعنی امپریالیسم و سرمایه‌داران وابسته و همه مزدوران و جلوسان سیا و ساواک برای بازگشت دوباره به قدرت به چه توطئه‌هایی دست خواهند زد؟

بدون شک دشمن قبل از هر کاری می‌کوشد انقلابی‌ترین و آگاه‌ترین نیروها را از سر راه خود بردارد. چرا که این نیروها کوچکترین حرکت دشمن را به سوی قدرت تشخیص می‌دهند و نه تنها نمی‌گذارند دشمن دوباره سلطه خود را محکم کند، بلکه روز بروز او را به عقب‌نشینی بیشتری وامی‌دارند. تاریخ مبارزات مینماید و همه کشور های زیر سلطه بدون استثناء نشان می‌دهد که امپریالیسم و ارتجاع داخلی وابسته به آن، همیشه برای ادامه غارت و یا بازگشت به قوت قبلی از هر کاری بمرکوب و نابودی مترقی‌ترین نیروها کوشش می‌کنند. امپریالیسم و ارتجاع هر کجا که توانسته‌اند نیروهای انقلابی را از سر راه خود بردارند، تسلط خود را به آسانی برقرار کرده‌اند.

بی تردید دشمنان خلقهای ما، برای بازگشت به قدرت و حفظ منافع خود، قبل از هر اقدامی کارگران زمینداران و با تضعیف انقلابیون و فراهم کردن شرایطی برای آنها در شرایط و اوضاع و احوال کنونی مینماید که دشمن می‌تواند انقلابی‌ترین و مترقی‌ترین نیروها را مورد حمله مستقیم نظامی قرار دهد؛ بیشک چنین کاری از دشمن ساخته نیست. حالات مستقیم امپریالیسم آمریکا و وابستگان آن در ایران نیروی یکپارچه زحمتکشان مینماید را متحداً در برابر دشمن قرار خواهد داد و شکست قطعی متجاوزین را در پی خواهد داشت. به علاوه پس از جنگ و ستانم نه موقیت امپریالیسم اجازه چنین دخالت‌هایی می‌دهد و نه افکار عمومی مردم جهان. بنابراین دشمن برای دریند نگهداشتن خلقهای ما و غارت هر چه بیشتر ثروت‌های ما از کجا باید آغاز کند؟

برای دشمن بهتر از هر کاری آن است که در هر دو طرف مردم، در درون کمیته‌ها و دولت نفوذ کند و با سوء استفاده از احساسات پانک قومی و مذهبی، با تحریکات زبانه، بخش شایعات بی‌شمارانه و تهمت و افترا به نیروهای انقلابی و ترقیخواه، گروه‌هایی از مردم را نسبت به این نیروها بدبین کند و اگر در این راه موفق شود و زمینه رودر رو قراردادن مردم را فراهم کند، فتنی بزرگ در راه تضعیف نیروهای انقلابی و سرکوب مردم برداشته است. دیگر کاملاً روشن است که تضعیف انقلابیون و سرکوب مردم یعنی بازگشت کامل دشمن به قدرت.

بنابراین هیچ تعجبی ندارد، اگر می‌بینیم تحریکات، بخش شایعات و سوء استفاده از احساسات مذهبی و قومی مردم و ویژه نوجوانان مینماید بر علیه فدائیان خلق که تسلیم‌ناپذیری و سرسختی خود را در برابر دشمن به اثبات رسانده‌اند، دامنه‌ای وسیع به خود می‌گیرد و مزدوران رژیم سابق، ساواکیها و عناصر مشکوک، برخی از پاسداران پرشور اما کم‌تجربه را می‌فریبند و آنان را به جنگ برادران ترکن خود می‌فرستند و بعد هم می‌کوشند این حادثه ننگین و نفرت‌انگیز را به فدائیان که هر گونه برخورد مسلحانه را در صفوف مردم تنها و تنها

بقیه در صفحه ۲

مسئله مسکن و با اقدامات انقلابی حل کنید

صدها شهرک خالی متعلق به سرمایه داران مفتخور فراری باید در اختیار زانغه نشینان قرار گیرد

در بررسی جنبش انقلابی ما، که به سرنگونی رژیم مستشارانه پهلوی انجامید، جنبش خولین مردم خارج از محدوده و آلونک نشین‌ها جای برجستای دارد. این خیزش که ابتدا از کوی افسر به آغاز شد، بطور غیر قابل تصویری، در مدتی کوتاه، به اکثر محله‌های خارج از محدوده‌ی تهران و همچنین شهرستانها کشیده شد. اهمیت این جنبش که در پانز سال ۵۶ به وقوع پیوست، در این است که برخورد قهرآمیز با مزدوران

من و سه اینکه پیام اینجا بماند از بهرام دو سه نون فرض گرفتن تا اودم اینجا. من هشت ماهه که بیکارم.

کری بایکدیگر صحبت میکردند. کارگری میگفت: «مدتی است روزنامه هم نمیتونم بخونم راستش اینکم شکسته و حقیقتش پول ندارم که اینکم دو تعمیر کنم. اینه که فقط کلمات درشتشو میتونم بخونم. کفری دیگری میگفت: «آقا

صبح روز یکشنبه نودم فروردین ماه طبق قرار قبلی هزاران کارگر بیکار در خانه کارگر واقع در خیابان ابوریحان اجتماع کردند. قبل از شروع راه پیمائی کارگران در حیاط خانه کارگر جمع شده بودند و درباره وضع نابسامان خود، بی پولی و بی



مجموعه‌ای از کارگران اخراجی و بیکار در روز دوشنبه ۱۹ فروردین

تحصن تاچه حد میتواند پاسخگوی خواست‌های کارگران باشد.

با پیروزی قیام، کارگران که در آرزوی زندگی بهتر به آینده‌ای امیدبخش چشم‌دوخته بودند، در انتظار تفسیر وضع به روزشماری پرداختند. در ذهن آنها سؤالات متعددی مطرح بود.

آیا دیگر مانند گذشته از ابتدائی‌ترین وسائل معیشت محروم نخواهند بود و از فشار های زندگی گذشته رهایی خواهند یافت؟

بقیه در صفحه ۷

چرا بیکاری؟

با یک تکامیر و گلر باطراف خود فوراً یکی از زشت‌ترین چهره های اقتصاد سرمایه‌داری را می‌بینید، بیکاری.

در یک طرف اسانهای متناقض کار، اسانهای نیازمند کار، نیازمند زندگی، در طرف دیگر نبودن کار، نبودن محلی برای اشتغال بکار، برای تولید، برای رفع حوائج زندگی خود و دیگر هوظات. بقیه در صفحه ۲

در این شماره:

اعتصاب ملوانان	صفحه ۲
کارگران با کوله بستند	صفحه ۲
ما پولمان فردا نداریم	صفحه ۲
نامه یک کارگر	صفحه ۲
ادبیات کارگری	صفحه ۴
کارگران کوره پزخانه چه میخواهند	صفحه ۴
زمین‌گیر نشینان	صفحه ۴
اول ماه مه، روز کارگر	صفحه ۵
ما راه‌پیمایانیم	صفحه ۵
زمین برای بزرگ	صفحه ۵
تشکیل شورای دهقانی	صفحه ۶
حمله‌ی عناصر مرتجع	صفحه ۶
خواستهای خلق	صفحه ۶
ترکن	صفحه ۶
الجباز خارجی	صفحه ۸
سلف کلپوچی گفت	صفحه ۸
گزارش هیات	صفحه ۸
لغزای	صفحه ۸
اطلاعیه دانشجوین	صفحه ۸
اصولیان	صفحه ۸

محاكمه و اعدام مزدوران نشانه‌ای از قدرت انقلابی توده هاست

آغاز دوباره کار دادگاههای انقلاب قومی مثبت برای جلوگیری از توطئه‌های امپریالیسم و عناصر وابسته به آنست، مرتجعین و سرسپردگان به امپریالیسم و رژیم منطبق سابق آنان که از هیچ وسیله و توطئه‌ی در راه مردم فروگذار نکردند، آنانکه بی‌شماره وطن را به تاراج بردند و هستی‌خلق زحمتکش را در بازار امپریالیستها تاخت زدند، آنهاست که در کمین انقلاب مردم و در صدد فرصت مناسبی برای بخون کشیدن انقلاب و خوش‌خدمتی به اربابان امریکائی‌اند. هر چه قاطعانه‌تر و هر چه زودتر باید محاكمه و به سزای اعمال ننگین خود برسند آغاز محاکمات ضد انقلابیون، بدمستور امام خمینی و ادامه آن علی‌رغم زمره‌های سازشکارانه «عفو عمومی» بار دیگر قاطعیت امام را در پشتیبانی اصولی از خواست بحق مردم و گروه های مبارزی که خواستار مجازات مزدوران بودند، نشان داد. اعدام انقلابی‌جنايتكاران و سرسپردگان به امپریالیسم از تجدید سازمان این عناصر ضد مردمی جلوگیری کرده و عامل مهمی در راه تحکیم حفظ دستاوردهای انقلاب است.

ما ضمن پشتیبانی کامل از اعدام همه‌ی وابستگان به امپریالیسم و رژیم فاسد سابق که حق مسلم خلق ستمکش و زجر دیده مینماید، اعتقاد داریم که برای آگاهی مردم از جنایات‌های این عناصر باید آنان در دادگاه‌های علنی محاكمه گردند، تا مردم از اعمال خائنانه این مزدوران دقیقاً مطلع شوند.

محاكمه و اعدام مزدوران، نشانه‌ای از قدرت انقلابی توده‌هاست

کارگران سخن میگویند (صفحه ۲)

چگونگی تشکیل یک شورای دهقانی

در شرایط کنونی مینماید که سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ غارتگر، هر کدام در گوشه‌ای کمن کرده‌اند تا در فرصتی مناسب با توطئه‌های رنگارنگ پیروزی‌های بلند آهسته را پایمال کنند، ضروری است که هر چه پیشتر هیئتی را خود بیافرینیم.

نقش کارگران در قیام مسلحانه بهمن ماه

چه کسی انقلاب کرد؟ با رعمدی انقلاب ایران بردوش کدامیک از طبقات و اقشار اجتماعی بود؟ کارگران در جنبش اخیر چه سهمی داشتند و نقش‌شان در قیام مسلحانه‌ی تهران تا چه اندازه بود؟ برای پاسخ گویی به این مسائل ابتدا سلسله نامه‌هایی را که در این زمینه برای ما رسیده است، عیناً نقل می‌کنیم. نامه آن دسته از کارگران مبارزی را که جلسات بحث و گفتگوی شبانه را کنار گذاشتند «مباحث مربوط به تشکیل سندیکاهای واقعی خود را به تعویق انداختند» اسلحه بدست گرفتند، در سنگر های خیابانی جنگیدند و پادگانها را یکی پس از دیگری تسخیر کردند.

در این جا، نامی گروهی از کارگران رزمندی کارخانه الیاف را هر چند مختصراً به آن اشاره شده است، عیناً نقل کرده و از سایر کارگران می‌خواهیم نام‌های خود را بقیه در صفحه ۲

کارگران سخن میگویند

در این شماره آن بخشی از سخنها و گفتگوهای کارگران را نقل کرده‌ایم که گویای یکی از مسائل و مشکلات کنونی است که کارگران و زحمتکش کشور ما با آن روبرو هستند.

بما کارگران اتهام اخلاکگر و ضد انقلابی میزنند!

« امروز این مشکل برای ما هست که اگر کوچکترین اعتراضی بخواهیم بکنیم، بما اتهام ضد انقلابی میزنند، آیا ما هیچ حق اعتراض نداریم؟ »

« ما می‌پرسیم چرا با مارکزدن نمیگذارند حرفهایمان را بگوش سایرین برسانیم. ما ماها در تظاهرات شرکت کردیم و حال که ساده‌ترین حقتان را که گفتن دردها و انتخاب نماینده است میخواستیم. به ما اتهام میزنند، یا مارا دستگیر میکنند »

« وای بر ما - آیا همه ماها و مردم مبارز ایران که ماها مبارزه کردیم، اعتصاب کردیم، خونها دادیم و شاه جلا را بیرون کردیم، اخلاکگر هستیم؟ »

« چرا جلوی کسانی را که بکارگر میگویند متحد باش، زیر بار سندیکی فرمایشی نرو، منافقت را در نظر بگیر، گذار بساط قدیم علم شود، میگیرند و اتهام ضد انقلابی میزنند؟ آیا متحد کردن کارگران عملی ضد اسلامی است؟ آیا آگاه کردن کارگران و یا سندیکی واقعی برای کارگران درست کردن عملی ضد اسلامی است؟ »

« تا زمانی که بساط دیکتاتوری خاندان پهلوی و وابستگان به امپریالیسم بود، ما کارگران زجر می‌کشیدیم و تا حرف میزدیم بما میگفتند اخلاکگر. حالا هم وقتی میگویم، که ما خودمان میخواستیم نماینده خودمان را انتخاب کنیم و اعتصاب را قبول نداشتیم، باز هم بما میگویند اخلاکگر. پس اینهمه مبارزه برای چه کردیم؟ »

« چرا حرفهای ما را در روزنامهها، آنطور که باید مینویسند و در تلویزیون تحمینهای ما را نشان نمیدهند. هر کسی هم اعتراض کند، بهش میگویند ضد انقلابی! »

« مادست به دست دادیم شاه خائن فرار کرد. حالا مانده‌ایم با مشکل بزرگ خودمان. مانده‌ایم بایک مشت سرمایه‌دار وابسته که میخواهند ما را بچاپند و یک مزدناچیز بدهند. هر کسی هم که حرفی میزند، میگویند کمونیست است، بی‌دین است. آخر مگر همین کمونیستها برای آزادی نجات میدهند، بزندان نیافتادند، شکنجه ندیدند؟ در کارخانه ما یک عده برای پخش اعلامیه آمده بودند. آنها را گرفتند زدند. به بهانه اینکه کمونیست هستند. خوب، برادر من، دوست نداری اعلامیه بخوانی، نخوان. کسی که دوست دارد میخواهد بخواند. میخواهد آزاد باشد. »

« ببینید کمونیستها چه میگویند، خواستشان چیست. اسلام به انسان آزادی داده، پس چرا باید جلو کمونیستها را بگیریم؟ من خودم شیعه هستم، مسلمان هستم ولی این دلیل نیست که بگویم چون فلانی کمونیست است، نباید حرف بزنند، اظهار عقیده بکنند. خیر این کار درست نیست »

« ما میدانیم که این اتهامات و افتراها از جانب آن کسانی است که میخواهند بافاق انداختن بین ما از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. ما با این شکل اتهامات و تفرقه اندازی قبلا هم آشنا بوده‌ایم. ولی حالا اگر میخواهیم واقعا مشکلات خود را حل کنیم نباید باین اتهامات عقب بنشینیم بلکه باید سعی کنیم عناصر ناآگاهی که ممکن است فریب اینگونه تحریفها و افتراها را بخورند، آگاه کنیم و بآنها بفهمانیم که همه این حرفها برای تفرقه انداختن بین ماست. برای اینست که اتحاد ما ضرر مفتخور هاست »

« باید خودمان بفکر خودمان باشیم »

« مبارزه کارگران در گذشته با شکست روبرو شده، این اصل مسلمی است الان هم که این شرایط فعلی را بوجود آورده‌ایم اگر از آن درست استفاده نکنیم، ونحوه مبارزه سیاسی را یاد نگیریم خوب مسلم است، باز هم بما زور خواهند گفت. باید همه چیز از ریشه درست شود. فعلا که هیچ چیز عوض نشده فقط شکلش عوض شده، ساواک رفته، ولی باز هم تا حرف حساب میزنیم. میگویند اخلاکگر است. باز هم زورا باز هم باید برویم توی خانه‌هایمان و پرده هارا بکشیم تا بتوانیم دو کله حرف حساب بزنیم یا یک کتاب بخوانیم! »

باید خودمان بفکر منافع خود باشیم، اگر متحد نشویم و تشکیلات خودمان را درست نکنیم، نخواهیم توانست در مقابل سرمایه‌داران زورگو بخوابیم بر سرمان. »

نقش کارگران...

برای درج در این صفحه برای ما ارسال دارند. همچنین از همین رفتای کارگر ایلیاف می‌خواهیم در نامه‌ی دیگری شرح کامل مبارزات مسلحانه‌ی خود را در قیام تهران برای ما ارسال نمایند.

ما در کارخانه ایلیاف، از چند ماه قبل از قیام مسلحانه خلق بطور چشمگیری متحد شدیم. از اعتصاب کوتاه مدت که در سال های پیش بوجود آوردیم، این نتیجه را گرفته بودیم که کارگران در کارهای سنگین فقط با اتحاد و همبستگی می‌توانند موفق شوند. زیرا کارفرما در مقابل این اسلحه کارگران مجبور به تسلیم است ضمنا برای فاش کردن چهره واقعی کارفرما نیز از هیچ کوششی دریغ نمی‌کردیم و سیاست تفرقه اندازی او را نیز بر ملا کرده بودیم.

در آذر ۵۷ با اعتراض مستجمعی در مقابل کارفرما ایستادیم تا کسی اخراج نشود، در دیماه وقتی کارفرما خواست کارخانه را تعطیل کند تا تمام کارکنان بیکار شوند با ایجاد یک « راه پیمایی » عظیم نقشه او را برای همگان فاش کردیم، با این مبارزات اجازه ندادیم حتی یک نفر از دوستان ما از کارخانه اخراج شود.

پانزدهم همین بهمن بهت مهربانان حقوق دیماه در محل شرکت « همسین » کردیم و کارفرما مجبور شد روز سمنه شانزدهم همین که یک روز فرد بود و تمام بانکها نیز تعطیل بودند حقوق عقب افتاده ما را پرداخت نماید ما برای هراسان کارفرما فوراً اقدام به تظاهرات بلوریکه در روز بیستم همین ماه در جلوی عیون میخواستیم برای تحکیم سندیکی واقعی تصمیمات لازم را بگیریم که قیام مسلحانه خلق ما را از ادامه حمله بازداشت و به پادگانها بکشاند.

بعد از پیروزی خلق در قیام مسلحانه برای شروع کار بکارخانه بازگشتیم و با آزادیهای دست آمده از مبارزات مردم بخصوص کارگران انقلابی و پیشاهنگان انقلابی خلق، دشمنان کارگران را از کارخانه اخراج کردیم آنها هجرت بودند از: مدیر عامل، رئیس امور اداری، رئیس امور مالی، رئیس حفاظت و مستاران خارجی. تصمیم گرفتیم که شورای کارگری تشکیل دهیم که چون مجبور بودیم این کار را خیلی سریع انجام دهیم و نگذاریم عدای مملو به حال که در طول سالهای گذشته جز دشمنی با کارگر و اعتصاب شکنی کاری نکرده بودند و خود را بجای دوستان کارگران جا میزدند برای اصلاح این اشکال عده قرار شد افراد منتخب فقط تا سی فروردین ۵۸ بعنوان اعضای شورای موقت فعالیت نمایند و تا آن مدت

توطئه علیه فدائیان

بقیه از صفحه اول
به سود دشمن می‌دانند، نسبت دهند. آنها پس از این جنایت، بلوقاحتی که در خور میبلغان رژیم شاه است بوق و کرنا راه می‌اندازند، گردانهای از جوانان کم تجربه را در شهرها بسیج می‌کنند و فریاد می‌زنند که اگر دست از « تحریک » یعنی دست از فعالیت سیاسی و حمایت از ستمکشان برندارید باید در انتظار حمله نظامی باشید.

دیگر همه چیز روشن است. می‌خواهند چون گذشته هر صدای ترقی خواهانه‌ای را در گلو خفه کنند. اگر وضع به همین ترتیب ادامه یابد، اگر مردم و همه آزادیخواهان همین پرستان نتوانند به موقع ماسک را از چهره معرکان و دشمنان انقلاب ایران بگیرند، اگر رهبری مردم و جوانان پر شور و پسا داری که صادقانه می‌خواهند به میهن خدمت کنند به دست عوامل ارتجاع، مزدوران رژیم گذشته و ساواکی هایی که در برخی از کمیته ها و دستگاههای اداری و ارتش نفوذ کرده‌اند بیفتند، سرمایه‌داران وابسته و غارتگران و مزدوران امپریالیسم بدون آن که با مواضع چندان دشواری

چرا بیکاری؟

بقیه از صفحه اول
کرد، بدین ترتیب که دست گردانندگان رژیم سابق را باز میگذارد تا هر گونه کمبود را در محصولات کشاورزی که نیاز به سرمایه‌گذارهای بنیادی داشت بنفع امپریالیسم حل کنند باین ترتیب که آنها را از خارج وارد کنند و بطور موقتی و غیر بنیادی برقع کمبودها بپردازند. خود این امر باعث نابودی بیشتر اقتصاد کشاورزی میشد.

کشاورزان بازم بیشتر داور شکست میکرد و بیکار و آواره بشهرها میکشاند.

باید خاطر نشان ساخت که وجود همان رونق کاذب و درآمد های کلان نفت که در بازار ریخته بود و سرگوب بیرحمانه هر گونه جنبش اعتراضی حتی اقتصادی و رفاهی کارگران باعث شده بود که سرمایه‌داران خارجی سرمایه گذارهای کلانی در ایران و در انبار میاند، پس از مدتی سرمایه داران کوچک ورشکست میشوند و همراه با آنان کارگران بیکار میشوند و به خیل عظیم بیکاران موجود در جامعه می‌پیوندند.

همین تایل به سود سرمایه‌دار باعث میشود که اقتصاد در یک بغش بسیار رشد کند و در بخش دیگر عقب بماند، و بقولی دچار رشد ناموزون شود. این رشد ناموزون بخصوص در کشورهای با اقتصاد وابسته برجسته است بنحوی که در سن کشورها غالب یک بخش تولید از توجه و رشد زیادی برخوردار است و اقتصاد تک محصولی نیز تایید کننده همین رشد ناموزون در سطح بین المللی است.

اقتصاد نفت در ایران چنین وضعی را دارد. توجه بیش از حد به نفت که بیشترین سود را عاید سرمایه‌داران خارجی کرده است، موجب شده است که دیگر رشتهها نه تنها رشد اصول و مثبت نداشته بلکه مرتبا یا ریزش و نابودی رفته‌اند. و یا رشتی پدیدار گشته و میوه داشته‌اند اقتصاد کشاورزی ایران با اجرای اصلاحات شاهانه و بخصوص اصلاحات ارضی آن، نابود شد و موجب گردید که اولاً: حتی بخواهیم غذای هم محتاج گردیم. ثانیاً: هر ساله روستایان زیادی در راه ترک گفته و به خیل عظیم بیکاران شهرها پیوسته‌اند. عده‌ی ازین روستائیان که اکثرا هم تخصصی نداشتند، در رشته های ساختمانی و یا رشته‌هایی که به تخصص احتیاج ندارند، مشغول بکار شدند.

در پی درگیریهای امپریالیستها بایکدیگر و مبارزه صاحبان نفت قیمت نفت بیکباره چندین برابر شد و درآمد های کلانی برای رژیم سابق که تا مفر استخوان فاسد شده بود ببار آورد.

ورود این درآمد ها بداخل و صرف آنها در رشته های غیرمولد بخصوص طرح های عمرانی لوکس و یا تاسیسات و ساختمانی عریض و طویل و پر هزینه، یا خرج آنها روی پایگاه های برای تسلیحات بسیار بیشتر نه چینی و جاسوسی باعث گردید که نه تنها قیمت ها بطور سرسام آوری افزایش یابد و قدرت خرید زحمتکشان پائین آید، بلکه کارهای ساختمانی چنان رشد سریع و بی سابقه‌ی بکنند که بخش عظیمی از نیروی کار شاغل در ایران را بفرود اختصاص دهد و اکثر روستائیان مهاجر را جذب کند و شکوفایی کاذبی با اقتصاد کشور بدهد.

ورود درآمد های کلان نفت اقتصاد کشاورزی را بازم خرابتر کرد. این بار با ماسکهای جدید و با تجاری بیشتر پایه های قدرت ضد مردمی خود را مستحکم خواهند کرد و دوباره همان روزهای سیاه فقر، گرسنگی، و تحقیر و خفقان تکرار خواهد شد.

برهه نیروهای انقلابی، بر همه آزادیخواهان و میهن پرستان واجب است که همه توان خود را در راه افشای دسیسه های دشمن و عوامل امپریالیسم به کار گیرند. هر گونه کوتاهی در این راه خیانت به انقلاب ستمکشان میهن است.

رو بپرو شوند، این بار با ماسکهای جدید و با تجاری بیشتر پایه های قدرت ضد مردمی خود را مستحکم خواهند کرد و دوباره همان روزهای سیاه فقر، گرسنگی، و تحقیر و خفقان تکرار خواهد شد. برهه نیروهای انقلابی، بر همه آزادیخواهان و میهن پرستان واجب است که همه توان خود را در راه افشای دسیسه های دشمن و عوامل امپریالیسم به کار گیرند. هر گونه کوتاهی در این راه خیانت به انقلاب ستمکشان میهن است.

طرح پیشنهادی

بقیه از صفحه اول

خیابان شاهرضا براه افتادند. در طول راه مردمی که ناظر این راه پیمایی بودند بگرمی از آنها استقبال کرده و با شکل مختلف همبستگی خود را با کارگران بیکار نشان میدادند. کارگران که تعداد آنها به بیش از ه هزار نفر میرسیه شامل مردان، زنان و دختران بودند، تعدادی کوله خرمسال هم همراه مادران و پدران خود بودند. کارگران ضمن راه پیمایی پلاکاردهای را بخود حمل میکردند که روی آنها نوشته شده بود: «مارکسنامه»، «ما کار میخواستیم»، «حرف بس است»، «عمل کنید».

کارگران در مسیر خود این شعارها را تکرار میکردند: «حقوق کارگر پرداخت باید کرد»، «نیاید کارگر اخراج گردند»، «حرف بس است، عمل کنید»، «و همه بما نان نمیشود هدف کارگران از رفتن بخانه آیت الله طالقانی جلب حمایت ایشان بود در بین راه بیمایان کارگری بود که با دو چوب زیر بغل تمام مسیر را با مشقت تمام طی میکرد و ضمن صحبت میگفت که در شرکت «سگا» کار میکرد است و روز ۱۷ شهریور با زنت و سه نفر دیگر در میدان شهر تیرا خورده است، زنت کشته شده است و خودش با اصابت گلوله پایش باین وضع دچار شده است این کارگر میگفت «بازمبایانی که از شرکت گرفتم چند ماهی گذران کردم ولی حالا نه آبی در بساط دارم و نه کاری».

راه پیمایان پس از رسیدن به خانه آیت الله طالقانی حدود نیم ساعت انتظار کشیدند تا اینکه به دفتر کار ایشان راهنمایی شدند. به کارگران گفته شد: چنانچه از بین خود نماینده انتخاب کنید و بفرستید که خواسته‌هایتان را بگویند و ما هم نمایندگان وزارت کار و دیگرا را خبر کرده‌ایم تا با آنها صحبت کنند. کارگران اعتراض کردند که ما خواسته‌ها ایمان را گفتیم و حالا برای جواب آمده‌ایم. پس از مدتی بکارگران گفته شد که آیت الله طالقانی مرخص هستند و نمی‌توانند برای شما صحبت کنند. کارگران اصرار داشتند که آیت الله طالقانی ولو برای چند دقیقه هم شده به میان آنان بیایند که خواسته‌ها ایمان را با ایشان در میان بگذارند و در ضمن در همین اجتماع خبر تیراندازی بسوی کارگران بیکاری که در اصفهان راه پیمایی کردند با اطلاع حضرت رسید. کارگران از آنجا خود را از این برخورد ابراز کردند و بطاهر جوانی که در این حادثه بشهادت رسیده بود دو دقیقه سکوت اعلام کردند.

حدود ۲ بعد از ظهر پس از آنکه بالاخره کارگران موفق به ملاقات با آیت الله طالقانی نشدند کارگر جوانی گفت: گویا ما جواب خود را گرفتیم. بهتر است که فعلا متفرق شویم و روز سمنه مجددا در خانه کارگر جمع شویم. بعضی‌ها میگفتند «ما همینجا میمانیم تا تکلیف روشن بشه». ولی پس از قدری تبادل نظر بالاخره همه موافقت کردند که اثر تا روز سه شنبه بخواسته‌های آنان رسیدگی نشود مجددا در خانه کارگر اجتماع خواهند کرد روز بعد یعنی سه شنبه ۲۱ فروردین کارگران اخراجی بار دیگر در جلوی وزارت دادگستری گرد آمدند و به تعصن نشسته در این تعصن بیانیه‌ای صادر کردند خواستار شدند که طرح پیشنهادیشان عینا در تلویزیون و مطبوعات انعکاس یابد «این طرح عینا در «کار» شماره ۴ به چاپ رسیده است».

تحصن تا چه حد میتواند پاسخگوی خواسته‌های کارگران باشد

بقیه از صفحه اول

آیا دولت آینده برای آنها کار و زندگی بهتر تامین خواهد کرد؟

آیا شر سرمایه‌داران زانو صفت از سر آنها کم خواهد شد و کارگران بنوان تولیدکنندگانی که چرخهای اقتصادی مملکت بایزوری بازوانشان بچرخد درمی‌آید، می‌توانند زنجیرهای اسارت و بندگی را بدور اندازند و بر سرنوش خود حاکم گردند؟

روزها از پی یکدیگر گذشت. انبوه کارگرانی که در یکسال گذشته به علل اقتصادی و سیاسی اخراج شده بودند و یا حقوق و مزایای آنها چندین ماه پرداخت نشده بود، خواستار اقدامات قاطع بنفع کارگران بودند. اما هیچ اقدامی صورت نگرفت و کسی هم در فکر آنها نبود. اگر فلان تاجر بازار چند ماه نیز مفازهاش بسته باشد، برایش مهم نیست. او آتقدیر دارد که مانند گذشته به زندگی‌اش ادامه دهد. اما کارگران بدون داشتن کار چگونه می‌توانند زندگی کنند؟ کارگری که حتی فرش زیرپایش را فروخته است و در چنگال قرض و بدهی گرفتار است، نمی‌تواند بازهم بیکار باشد و صبر داشته باشد. بدین لحاظ امروزه ما شاهد هستیم که اعتراضات کارگران باشکال مختلف بروز کرده است. کارگرانی که در قیام شکوهند خلق و در کوران مبارزه آبدیده شده‌اند، این بار منطبق با شرایط تازه برای رسیدن به پارامی از خواسته‌های خود شکلی دیگر از مبارزه را انتخاب کردند. مبارزه طبقه کارگر درهرشرایطی اشکال خاصی بخود می‌گیرد و تحصن نیز شکلی از اشکال مبارزه است که با توجه به شرایطی که اکنون بر جامعه ما حاکم است بکار گرفته شده است.

امروزه تحصن کارگران از یکسو دولت را وامیدارد تا در جهت حل مشکلات کارگران، بخصوص مسئله بیکاری اقدامی جدی بعمل آورد، و از سوی دیگر نظر مردم را بخود جلب کرده و در نتیجه مردم را از حقانیت مبارزه آنها گرفته شده است.

برای اینکه تحصن به نتیجه برسد، خواسته‌ها باید بطور دقیق با مشورت همه کارگران تنظیم شوند و کارگران با خواسته‌های مشخص به تحصن ادامه دهند.

گرچه تحصن در کشور ما سابقه‌ای طولانی دارد، اما در رابطه با مبارزه کنونی کارگران خصوصیتی کسب کرده است که آنرا از تحصن بشکل گذشته، متمایز می‌سازد.

ما امروزه شاهد هستیم که تحصن کارگران بدو شکل صورت می‌گیرد. یا تحصن همراه با اعتصاب و قطع تولید است، نظیر تحصن کارگران در کارخانه که همراه با آن دست از کار می‌کشند. و یا بشکل تحصن کارگران بیکار در وزارت کار، استانداری، نخست‌وزیری و غیره صورت می‌گیرد که نسبت به شکل اول در سطح پائین‌تری قرار دارد. اما یکی از خصوصیات تحصن کارگران در شرایط کنونی اینست که کارگران درحین تحصن بمنظور شکل هرچه بیشتر اقدام قاطع‌تر مبادرت به تشکیل سندیکا و شورا میکنند و یا اینکه تحصن آنها بزودی تبدیل به راهپیماییها و تظاهرات خیابانی شده است.

گرچه ما تا امروز شاهد بوده‌ایم که در بسیاری موارد تحصن با موفقیت توأم بوده و کارگران بخواسته‌های صنفی یا صنفی-سیاسی خود رسیدند، اما این شکل مبارزه بخاطر محدودیت‌زمانی، خسته‌شدن و فرسودگی متحصنین و غیره کافی نیست و باید اشکال موثرتر و عالی‌تری برای رسیدن بخواسته‌ها پیش کشید.

اکنون که بملت شرایط سیاسی حاکم بر جامعه ما و بخصوص مبارزه یکسال گذشته کارگران سطح آگاهی آنها ب میزان زیادی با لارفته است نباید مبارزات را تنها باشکال اقتصادی محدود ساخت. بلکه مبارزه باید از سطح اقتصادی یعنی چانه زدن برای افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار و غیره ارتقاء یافته و جهت سیاسی با خواسته‌های مشخص سیاسی بخود گیرد. اگر مبارزه کارگران در چارچوب مبارزات اقتصادی محدود شود، مسائل و مشکلات کارگران نمی‌تواند در نهایت بطور ریشه‌ای حل شود.

مسائلی که امروز کارگران با آنها روبرو هستند احتیاج به راه حل‌های انقلابی دارد. اولین اقدام در راه حل این مشکلات این است که صنایع و بانکهای سرمایه‌داران وابسته ملی شوند، از کارشکنی امپریالیسم و سرمایه‌داران وابسته جلوگیری شود و کارگران اداره امور کارخانه‌ها را در دست گیرند. بدیهی است که قدم اساسی در جهت حل مشکلات کارگران و مسئله بیکاری، ایجاد صنایع مادر است که هم مسئله بیکاری را حل خواهد نمود و هم وابستگی اقتصادی امپریالیسم را از بین خواهد برد.

چگونگی تشکیل يك شورای دهقانی

بقیه از صفحه اول

از این رو زحمتکشان روستا که از ستمدیده‌ترین اقشار جامعه ما هستند میخواهند از طریق شوراهای روستایی اداره و کنترل روستاهای خود را بعهده گیرند، ما در زیر پارهای از تجربیات بدست‌آمده از چندین روستای بزرگ و کوچک در نقاط مختلف میهن‌مانرا جمع‌بندی کرده و آن را ارائه میدهیم. امیدواریم این تجربه رهنمودی مقدماتی باشد برای روستائیان که در پی تشکیل شوراهای دهقانی خود هستند. امیدواریم در آینده با استفاده از تجاربی بیشتر زمینه‌های رشد روز افزون این شوراهای فراهم شود.

شورای ده چیست؟

شورای ده جمعی است از نمایندگان واقعی روستائیان که مستقیماً بوسیله زحمتکشان روستا و برای مدت محدود و معین انتخاب میشوند تا به مسائل و مشکلات روستا رسیدگی کند و مرجع تصمیم گیری مسائل و مشکلات روستاست.

شورای ده را چگونه بوجود آوریم؟

برای انتخاب نمایندگان و تشکیل شورا، ابتدا باید مقداری زمینه سازی کرد چون هنوز عده‌ای از روستائیان ضرورت تشکیل شورا را احساس نمیکنند، آنها ممکن است فکر کنند که کدخدایا مباشرین زمینداران بزرگ و سایر عوامل دولتی مسائل روستا را حل خواهند کرد. اما

تجارب گذشته روستائیان در زمان رژیم شاه ثابت نمود که اولاً تا زحمتکشان خود به پا نخیزند و حق و حقوق خویش را مطالبه نکنند مقامات به فکر آنها نخواهند بود.

پس از آنکه ضرورت تشکیل شورا و تمام مسائل مربوط به آن روشن شد، باید آگاه‌ترین افراد روستا در روستا به بحث و تبادل نظر با تمام زحمتکشان روستا بپردازند. میتوان در مدرسه ده، مسجد و یا در منزل اشخاص، روستائیان را جمع کرده و برای آنها دربارۀ ضرورت تشکیل شورا، وظایف آن، نحوه انتخاب نمایندگان و دیگر مسائل به تفصیل در جلسات متعدد صحبت کرد. پس از آن از مردم دعوت میشود که در وقت معین برای انتخاب نمایندگان شورا در حلی معین جمع شوند.

تعداد نمایندگان شورا: تعداد نمایندگان شورا بستگی به جمعیت روستا دارد هر قدر جمعیت روستا بیشتر باشد میتوان تعداد بیشتری نماینده انتخاب کرد.

بطور کلی میتوان گفت که تعداد نمایندگان میتواند از ۳ تا ۲۱ نفر به نسبت جمعیت متغیر باشد، مثلاً برای یک روستای ۶۰۰ - ۵۰۰ نفره پنج نماینده کافیست.

وظایف شورای ده کدام است؟ شورای ده وظایف زیادی را بعهده دارد که بر حسب شرایط روستا و تشخیص مهمترین نیازهای روستا به ترتیب اهمیت به انجام خواستهای روستائیان جامعه عمل به پوشاند.

۱ - حل صحیح مسئله ارضی زمینداران بزرگ در جهت حمایت منافع دهقانان
۲ - نظارت و کنترل در استفاده منطقی از آب روستا برای کشاورزی
۳ - کاهش در جهت دریافت وام بدون بهره و کود و بذل از دولت و تقسیم

عادلانه آن در بین زحمتکش ترین اقشار روستا. ۴ - ایجاد درمانگاه و کوشش در راه آن و تامین پزشک و دارو از طریق دولت و امکانات محلی و منطقه‌ای و خودیاری مردم. ۵ - درخواست ایجاد مدارس و تهیه آب آشامیدنی و برق و حمام و راه برای روستائیان. ۶ - حل و فصل اختلافات بین روستائیان مانند آب و زمین و دام و غیره. ۷ - تنظیم و تربیت دیگر مسائل روستائیان از قبیل عقد و عروسی و عزاداری و از این قبیل امور. مدت کار شورا چقدر است؟ نمایندگان شورا برای مدت محدودی انتخاب میشوند، مثلاً برای یک سال. اگر نمایندگان

عده‌ای از کارگران شهر صنعتی البرز:

ما راه مبارزه را از کارگر شهید ناصر طحال می‌آموزیم

شهید ناصر طحال بخاطر گرفتن ابتدائی ترین خواست خود و هم‌چنینش بخون در غلطید. ناصر که سالها از عرش را بمنوان یک کارگر زحمتکش کار کرده و بختی از آزارشما در کارخانه کوراوغلی گذرانده و با حقوق خود یک خانوادۀ نرفری را اداره می‌نمود، جان خود را نیز در راه احقاق حق کارگران فنا نمود. نام ناصر در قلب ما

کارگران و جنبش کارگری نقش است. اگرچه اکنون ناصر در میان ما نیست ولی راه او بخاطر ما و نام او در خاطر ما، این شهادت نامحسوس دوباره است. می‌توانیم از زحمتکش کرد که در وقتان را صرف سرمایه‌داران خیانت‌کار که هم‌چنین را فدای سود بیشتر و بازهم بیشتر خود می‌کنند.

ماجرای درگیری ناصر و کارگران کارخانه کوراوغلی: کارخانه‌ای باندگی و ریسندگی کوراوغلی که یکی از کارخانه‌های قدیمی قزوین است محل این توطئه ننگین کارفرمایان بود. این کارخانه که اخیراً به شهر صنعتی البرز منتقل گردیده، در حال حاضر با تعداد ۲۴۰ کارگر زن و مرد و با حداقل حقوق ۳۰ تومان در شرایط کاری ناساعد به تولید مشغول است. بعد از ماه‌ها که کارفرما از دادن حقوق کامل به کارگران خودداری کرده بود، کارگران در کارخانه جمع شده خواستار گرفتن حقوق عقب‌افتاده و سود ویژه خود میشوند. پول ناچیزی که در برابرش شیره جان خود را داده بودند، آری پول بخورنمیری، که کم‌کمیت زندگی ساده را هم نمی‌دهد، پولی که بنا پرداخت میشود تا از گرسنگی نمیریم و بتوانیم روز بعد دوباره برای گردن‌کلفت‌ها کار کنیم تا «آقایان» بعیش و عشرت بپردازند. به اجمع شده بودند که چند روز پول بگیرند و بقرضه‌هایشان بدهند. آخر ما کارگران همیشه قرض داریم و خجالت زده، ما دیگر شرمندۀ تر از آن بودیم که در دکان نانواهی سرکوبه و بقالی توی خیابان برویم و باز نسبه بیاوریم، آخر این شب عیدی اقلایک جفت کنش و یک دست لباس برای زن و بچه‌هایمان که روزها را می‌شمارند عید بیاید - بهیه کنیم - راستی را بخواهید اگر ما سرمایه حقوق نگیریم همه حسابهایمان غلط از آب درمی‌آید. درمایدی دوتا نیست، سینه ما پر از حرفهای نگفته، زندگی ما پر از زجر و بدهبختی. ولی اینطور نمی‌ماند چون ما نمی‌خواهیم و نمی‌گذاریم بماند. بکنیم. برویم سر مطاب. به، دوستان ما روز ۱۳ اسفند رفته بودند پولشان را بگیرند و این

دفعه دیگر قاطع بودند که حقتان را باید خوشان بگیرند. کارفرما از دادن پول به آنها سرباز زد، او گفته بود که پول ندارم و هزار بهانه دیگر، اما بپرداز پانشاری کارگران حيله جدیدی را بکار می‌برد و می‌گوید: شما قبول کنید تا نصف پولتان را نقد و نصف دیگر را پتو دریافت نمایید. کارگران کمی فکر کردند و باهم حرف زدند،

دوئل بودند، ولی خلاصه دیدند که اینطوری سرشان کلاه می‌رود. اول بخاطر اینکه پتو را بقیمت بیشتر از نرخ تمام شده بآنها حساب میکرد و دوم، آنها پتو فروش نبودند و لابد باید کلی هم از وقتشان را صرف کنند آتیم با ضرر. خلاصه کارگران آخر سر نتیجه گرفتند که ما پتو نمی‌خواهیم و فقط پول می‌خواهیم. اول سر کارفرما ورسی کارخانه‌بنام کبان که اختیار تام دارد و بسیار وقیح و پررو است با کارگران سخت مخالفت کرد که منجر به درگیری بین این آدم پلید و کارگران گردید و وقتی دید که کارگران آمانماند که او را سرچاپش بنشانند با مجبار خواسته کارگران را قبول کرده و کارگران بمرکار برگشتند. اما کارفرما که به این آسانی‌ها حق کارگران نمی‌دهد، کارفرما زنده است چون حق کارگر را می‌خورد، بعد از ماه‌ها که کارفرما از دادن حقوق کامل به کارگران خودداری کرده بود، کارگران در کارخانه جمع شده خواستار گرفتن حقوق عقب‌افتاده و سود ویژه خود میشوند. پول ناچیزی که در برابرش شیره جان خود را داده بودند، آری پول بخورنمیری، که کم‌کمیت زندگی ساده را هم نمی‌دهد، پولی که بنا پرداخت میشود تا از گرسنگی نمیریم و بتوانیم روز بعد دوباره برای گردن‌کلفت‌ها کار کنیم تا «آقایان» بعیش و عشرت بپردازند. به اجمع شده بودند که چند روز پول بگیرند و بقرضه‌هایشان بدهند. آخر ما کارگران همیشه قرض داریم و خجالت زده، ما دیگر شرمندۀ تر از آن بودیم که در دکان نانواهی سرکوبه و بقالی توی خیابان برویم و باز نسبه بیاوریم، آخر این شب عیدی اقلایک جفت کنش و یک دست لباس برای زن و بچه‌هایمان که روزها را می‌شمارند عید بیاید - بهیه کنیم - راستی را بخواهید اگر ما سرمایه حقوق نگیریم همه حسابهایمان غلط از آب درمی‌آید. درمایدی دوتا نیست، سینه ما پر از حرفهای نگفته، زندگی ما پر از زجر و بدهبختی. ولی اینطور نمی‌ماند چون ما نمی‌خواهیم و نمی‌گذاریم بماند. بکنیم. برویم سر مطاب. به، دوستان ما روز ۱۳ اسفند رفته بودند پولشان را بگیرند و این

موضوع روشن شد. * کارگران کارخانه های اطراف که از دور شاهد درگیری بودند ابتدا به اشتباه آنها را اختلاف درونی کارگری دانسته بودند ولی بعد موضوع روشن شد. بقیه در صفحه ۷

اول ماه مه روز کارگر

رفقای کارگر! روز اول ماه مه، عید کارگران سراسر جهان نزدیک میشود. این روز، روز همبستگی و اتحاد کارگران سراسر جهان در مبارزه‌شان بر علیه استثمار، گرسنگی، فقر و ستم است. در این مبارزه بزرگ دو دنیا در برابر هم قرار داد: دنیای سرمایه و دنیای کار دنیای استثمار و اسارت و دنیای برادری و آزادی.

در دنیای سرمایه‌داری، در یک طرف مثنی ثروتمند زالوصفت قرار دارند. آنها کارخانه‌ها، ماشین‌آلات، زمین‌های وسیع و بانکها را در دست گرفته و به مالکیت خصوصی خود درآورده‌اند. و ثروت‌های جامعه را تصاحب کرده‌اند و در کاخها زندگی می‌کنند.

در طرف دیگر انسان‌هایی که فاقد وسائل تولیدند، انسان‌هایی که برای گذران زندگی‌شان مجبورند به خدمت صاحبان سرمایه درآیند. آنها مجبورند برای رهایی از گرسنگی، نیروی کار خود را به سرمایه‌دار بفروشند تا تکه نانی بدست آورند، تجدید قوا کنند و دوباره نیروی کارشان را در مقابل بهائی ارزان در اختیار سرمایه‌دار گذارند. میلیونها انسانیکه با کارشان آفریننده ثروتهای جامعه هستند. اما از ثمره این کار بی‌بهره‌اند. انسان‌هاییکه در طول زندگی مجبورند بهرنوع کار سخت و طاقت‌فرسا تن در دهند و صبح تا شب در کارخانه‌ها و مزارع جان بکنند، اما با شکم‌های گرسنه در خانه‌های نملک و تاریک و کلبه‌های خرابه زندگی کنند و در محرومیت بسر برند.

کارگران، تحت ستم، بر علیه صاحبان سرمایه و استثمارگران و برای آزاد ساختن کار از بندگی سرمایه مبارزه می‌کنند. آنها برای از بین بردن فقر، جهل، ستم و استثمار مبارزه می‌کنند. آنها برای تحقق سوسیالیزم یعنی ایجاد جامعه‌ای پیا می‌خیزند که در آن جامعه محصولات و ثروتهای تولیدشده توسط کار مشترک زحمتکشان نه در خدمت مثنی ثروتمند بلکه در خدمت تمام جامعه قرار بگیرد. آنها میخواهند که کارخانه‌ها، ماشین‌آلات و زمین‌ها به مالکیت مشترک همه زحمتکشان درآید.

در مبارزه کار بر علیه سرمایه، در مبارزه کارگران بر علیه سرمایه‌داران، کارگران سراسر جهان هدف واحدی را دنبال می‌کنند. نابودی استثمار انسان از انسان، اینست پایه همبستگی و اتحاد کارگران که در شعار «کارگران جهان متحد شوید» تجلی یافته است.

کارگران سراسر جهان در مبارزاتشان برای آزادی، فداکاری‌های بی‌مانندی از خود نشان داده‌اند و در این راه خونهای زیادی ریخته شده است، ولی غلیغ غم فشارهای بسیار هر روز اتحاد آنان محکم‌تر و نیرومندتر میشود.

در روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) کارگران همبستگی خود را در مبارزه بر علیه فقر، گرسنگی، ستم و استثمار جشن می‌گیرند. کارگران ایران امسال روز اول ماه مه را در شرایط نوبنی برگزار می‌کنند، در شرایطی که رژیم سلطنتی در نتیجه مبارزات قهرمانانه کارگران و زحمتکشان و سایر اقشار و طبقات خلقی سرنگون شده، و سد دیکتاتوری در برابر امواج مبارزات مردم شکسته شده است. کارگران که با شرکت وسیع در مبارزات یکسال گذشته نقش عمده را در سرنگونی رژیم منحط سلطنتی داشتند، اکنون دیگر به نیروی عظیم طبقه کارگر پی برده و فهمیده‌اند که هیچ قدرتی یازای ایستادگی در برابر حرکت متحد کارگران را ندارد.

امروزه ما شاهد شرکت فعال، متحد و همه‌جانبه کارگران در مبارزات صنفی و سیاسی هستیم. کارگران کشور ما در جریان مبارزات اخیر به خوبی به نقش تاریخی خود در تحولات اجتماعی پی برده‌اند و ضرورت اتحاد و تشکل را برای دفاع از منافع طبقاتی خود و برای آزادی از قید ستم و استثمار درک کرده‌اند. کارگران میهن ما با هوشتاری دریافته‌اند که برای تحقق و تامین منافع طبقاتی کارگران و زحمتکشان غلیغ تلاشها و فداکاریهای بسیار تا ایجاد صنف متشکل و مستقل طبقه کارگر، یعنی تا ایجاد حزب طبقه کارگر و سایر تشکل‌های صنفی و سیاسی - صنفی نظیر سندیکاها، اتحادیه‌ها، شوراهای غیره، منافع واقعی آنان تامین نخواهد گردید.

امسال در روز اول ماه مه کارگران ایران، با صفوفی متشکل‌تر، متحدتر و یکپارچه‌تر از گذشته همگام با کارگران سراسر جهان پیشگامی و ثابت‌قدمی خود را در مبارزه برای رهایی انسان از قید استثمار و محو ستم طبقاتی اعلام خواهد کرد.

هموطنان مبارز

پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را به آدرس زیر ارسال نمائید:

تهران - خیابان بلوار - خیابان فدائی (میکه سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

تلفن: ۶۵۹۹۹۹

برای حمایت مالی خود از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به آدرس زیر مراجعه نمایند.

بانک ملی ایران شعبه دانشگاه حساب جاری شماره ۳۲۰۹۸

زمین برای بزرگ

آمل - کشاورزان و زحمتکشان قریه قیام آباد (شاه محله سابق) ضمن اشاره به ظلم و زور و توطئه مدهای از مالکین و سرمایه داران، مسائل و مشکلات خود را بدینگونه شرح میدهند:

اخیرا توطئه‌هایی از طرف مدهای سرمایه‌دار شهری و مالکین سابق روستا و همایشان در این حوالی در دست اجراء است. مالکینی که در گذشته نه چندان دور با داشتن همه گونه امکانات جهت پیشبرد مقاصد ظالمانه خود با حمایت

دولت چنانچه زمینهای ما را بزرگ و صرف کرده و در احتکار داشتند در این زمینه مدهای از کارمندان مودود ادارات دادگستری، تعاون روستاها، ثبت اسناد، پاسگاه و انسداد امری، شخصیت‌های بارز شهری و وکلای دادگستری آنها را در این راه یاری نموده و بعد از رسیدن به مقصود سهمیه خود را نیز گرفتند.

تا اینکه بدنبال مبارزات پیگیر و فداکارانه مردم ما اهالی این منطقه نیز به پاخاستیم و بعد از انقلاب زمینهایمان را که در احتکار بوده صرف کردیم و جهت کشت و بهره برداری برای مردم دلیر ایران مشغول کار شدیم.

ما این زمینها را گرفتیم چون زمین دیگری نداریم، گرفتیم زیرا که کشاورزی و کشاور باید زمین داشته باشد و کشاورزی کسی است که روی زمینش کار میکند، گرفتیم بدلیل اینکه ما فرزندان روستایی از این خاک برخاسته و باور در همین خاک خواهیم شد، گرفتیم

دهقانان زمینهای غصب شده خود را تصرف کردند

شیراز - حاجی قربان تاجر بزرگ آمل در شیراز و مالک بزرگ ده رباط در ۲۰ کیلومتری باباندر در ماهرود ۲۰۰ هکتار زمین در این منطقه تاکنون مرفوظ این ده را برای خود حفظ کرده و حتی از دهقانانی که روی زمینهای نامرفوظ کشت می کردند، یک پنجم محصول را می گرفت. دهقانان رباط، بدنبال یک تصمیم گیری روز دوم فروردین زمینهای را که حاجی قربان با زور و کینه غصب کرده بود مصادره و کشت کردند. حاجی قربان که از واقعه باخبر شده بود روز

(اعتراض کارگران و دهقانان بروجرد)

روز شنبه ۱۸ فروردین ماه راهپیمایی بی‌پارکنت جمعی از کارگران بیکار و دهقانان بزرگزار میگردد. هدف از این راهپیمایی رساندن صدای حق طلبانه کارگران و دهقانان بروجرد بگوش مردم ایران و مسئولین امور بود. شعارهای این تظاهرات عبارت بودند از: «زمین برای دهقانان آزاد باید گردد» «زندگی کارگر تامین باید گردد»

مصادره زمینهای (وردشته) توسط دهقانان

سمیرم - منطقه حاصلخیز وردشته در غرب سمیرم که زمینخواران بزرگ همه ساله میلیونها تومان از درآمد آنرا به جیب می‌زدند، نشان دهنده کار شاق و توانفرسای مردم زحمتکش این منطقه و غارت دسترنج آنان

تشکیل شورای دهقانی

و مصادره زمینهای بزرگ مالکان

دهقانان، با الهام از قیام تاریخی مردم برای دست گرفتن سر - نوشت خود دست به تاسوس و تاملاتهای زنده که در گذشته بین زمینداران بزرگ و بانکهای غارتگر ازیلسکو و دهقانان دیگر زحمتکش روستا از طرف دیگر حاکم بود آنها دوباره اندک که قطع کامل وابستگی با دولت سابق برابر با نابودی تمام مظاهر آن و برقراری نظم جدید در روستاهاست. آنها به خوبی دریافته‌اند که مهمترین موانع اصلی در ایجاد نظم جدید مردمی وجود زمینداران بزرگ، در کنار دهقانان بی‌زمین، وجود رابطه

تشکیل شورای ده

پایل - جمع کثیری از دامداران، کشاورزان، کارگران، محصلان و دانشجویان قریه نخل بندریج با داکو از حومه پایل روز چهارم فروردین در مسجد جامع نخل جمع شدند. بعد از بحث و تبادل نظر شورای موقت چهارده نفری را با رای اکثریت انتخاب کردند. ترکیب این شورا چنین است. سه کشاورز، سه کارگر، یک دامدار، سه محصل و دو دانشجو،

- ۱ - مزارع و مزارع رسم
- ۲ - مزارع و مزارع دونه
- ۳ - مزارع خشک لاله
- ۴ - مزارع آرنسک
- ۵ - مزارع سیالاسر
- ۶ - مزارع میدانه

تشکیل شورای روستائی

درجلسه‌ای که دهقانان قریه «دیمانگام» در تاریخ ۱۵ اردیبه‌ماه داشتند، ضمن طرح مسائل و مشکلات اهالی موجودیت شورای روستائی خود را اعلام نمودند. این شورا از سفیر نماینده که منتخب روستائیان می‌باشند تشکیل شد. کار در شورا افتخاری است و انتخاب نمایندگان با اهالی می

خانه سوزی، چپاول و کوچاندن دهقانان

دشت مغان - خواجه‌نویس، بعد از سقوط دولت شاه به راهپیمایی سابق خود در قریه‌های مهمان و تازه کند در دشت مغان حمله کرده، پیش از آنکه خانه را به آتش می‌کشند و بقیه را چپاول می‌کنند. اهالی مجبور به ترک محل زندگی خود می‌شوند و به جاهای دور دست

خواستهای خلق تر کمن

خواستهای برحق خلق تر کمن جزئی جدایی ناپذیر از خواستهای خلقهای میهنان است. ما با اعتقاد عمیق به وحدت و یکپارچگی میهن پرافتخارمان ایران، بدینوسیله باور داریم که این وحدت تنها در پرتو روابط آزادانه و برابر همه خلق های میهن میسر است. آنچه که در مواد مختصر زیر تحت نام خواستهای خلق تر کمن می‌آید، بخش کوچکی از آرایین خواستها بوده و به اعتبار انطباقی که با اهداف نهایی همه خلقهای تحت ستم و رنجبران میهنان دارد، بی‌گمان در نظر همه مردم ایران بصورت حق مسلم خلقها پذیرفته خواهد شد. مواد زیر قسمتی از مواد هتکانه خواستهای خلق تر کمن می‌باشند:

- ۱ - تشکیل شوراهای انقلابی

تشکیل شورای دهقانی

سایج و توابع در یزد

مردم مبارز میهن ما با مبارزات دلیرانه خود تصمیم گرفتند که دیگر به جنایتکاران و غارتگران اجازه بهره‌کشی ندهند مردم میخواهند که از این بعد مشکلاتشان به دست خود و نمایندگان واقعی شان حل شود تا دیگر حیل‌های عوام فریبانه، جنایتکاران و استثمارگران وابسته به امپریالیزم زندگیشان را به پستی نکشاند یکی از مهمترین راههای غلبه بر علیه زمینداران بزرگ در روستا تشکیل شوراهای انقلابی دهقانان است. از طریق ایجاد شوراهای واقعی دهقانان است که نمایندگان واقعی روستائیان که با انتخاباتی آزاد به تامین نیازهای روستائیان خواهند رسید و از این طریق دیگر تعیین سرنوشت روستائیان به وسیله مزدوران بزرگ در لباسهای رنگارنگ میاش، کدخدا و ژاندارم و نیروهای ارتشی نخواهد بود، بلکه فقط اعضای شورای انقلابی دهقانان در روستاست که فاضل مشکلات و خواستهای روستائیان است. بدین لحاظ در جهت جلوگیری از غارت روستائیان در روستای سانیج و توابع در یزد گروه‌هایی روز سوم فروردین ماه در مسجد جامع سانیج جهت رسیدگی بمسائل جاری روستا و گوش هر چه بیشتر در جهت تحکیم دست آوردهای انقلاب و شرکت فعال در امور جاری، خواسته‌های خود را مطرح کردند که در زیر چند نمونه از آن را طرح می‌کنیم.

- ۱ - واهیهای پرداخت شده
- ۲ - از امروز کلیه امور رفاهی، بهداشتی، فرهنگی و غیره در سانیج و همچنین همکاری و هماهنگی با دولت انقلابی و مسئولین امر در استان یزد بوسیله شورای انقلابی دهقانان در سانیج که برگزیده مردم است انجام خواهد شد.
- ۳ - ما خواستار وایم بدون بهره جهت کشاورزی و دامداری هستیم و مبلغ آن باید کافی برای رفع نیاز روستائیان باشد.
- ۴ - واهیهای پرداخت شده بروستائیان که خود در ده کشاورزی میکنند و شغل دومی ندارند و یا اینکه در روستا مستقلا نیستند باید بخشیده شود و برای بقیه از دریافت بهره واهی پرداخت شده جلوگیری شود.
- ۵ - مشکلات و مسائل موجود در ده باید با کمک و مشورت شورای انقلابی دهقانان و بصورت کدخدائی حل و فصل گردد و در صورت لزوم بدستگاههای دولتی رجوع شود و با نظر شورای فوق عرض خواهد شد.
- ۶ - کلیه صحراهای روستای سانیج و توابع در اختیار بیت المال بوده و درآمد حاصل از آن زیر نظر شورای روستا صرف امور روستا خواهد شد.
- ۷ - ما خواستار ارتباط

حمله عناصر مارتج

به نمایش یک فیلم ضد فاشیستی

بوشر - لیکن محصلین عضو کانون مستقل متحد مدارس بوشر روز ۱۲ فروردین ماه محصلین عضو کانون مستقل متحد مدارس بوشر بنظور اعتراض به جلوگیری از نمایش یک فیلم ضد فاشیستی براداره آموزش و پرورش متحصن شدند. محصلین به این امر مترض بودند که عناصر از اوپاش و مارتجین در موقع نمایش فیلم با حمله به اجتماع آنان نفر را پشت مجروح کردند که با این عمل حرکات ضد مردمی رژیم پیشین زنده کردند بالاخره آنان برای جلوگیری از

تحصن دانشجویان دانشگاه اهواز

اهواز - ۱۹ فروردین ماه گروهی از دانشجویان دانشگاه اهواز طی بیانیه‌ای اعلام داشتند که با وجود مذاکرات و جلسات زیاد با مسئولین امر و عدم توجه به خواستهای ما و با ذکر این مسئله که ما همچنان دانشگاه را سکر مبارزات ضد امپریالیست می‌دانیم اکنون ضمن حفظ همبستگی کامل در مقابل دشمن مشترک، در حفظ و گسترش حقوق دموکراتیک خود تلاش خواهیم کرد، بدین جهت تا احقاق حقوق خود دست به نهم زده و نظرمقامات را به خواست - مایبان جلب می‌نمائیم.

- ۱ - ما خواستار تشکیل تریه ستر شوراهای دانشکده‌ای و

مسئله مسکن ...

بقیه از صفحه اول
که گریانگیرشان بود نجات دهد، به این امید که دیگر از ترس گرسنگی و مرض، پیوسته دچار کابوس نباشند و لااقل سرپناهی به دست آورند.
این زحمتکنان که نیروی کار خود را درازای مزد ناچیزی میفروشند بخوبی آگاهند که از دسترنج آنها و منابع ثروت ملی که منتقل به مردم است هزاران آبارتمان و شهرک توسط درباریان خیانتکار و سران خائن ارتش و مزدوران امپریالیسم برپا شده است. در مقابل آنها محکوم هستند در زاغه‌های زندگی کنند که به همه چیز شباهند مگر خانه مسکونی. این زحمتکنان نیک میدانند که حتی به وجود آوردن مسئله خارج از محدوده و خراب کردن آلونکهای آنان توسط رژیم شاه خائن نیز برای رونق دادن به شهرک های سرمایه‌داران زالوصفت بود است. از این رو زحمتکنان در آلونک‌نشین، رژیم شاه را دشمن واقعی خود میدانند و برای نابودی آن بانام وجود کوشیدند قربانی دادند و همراه باهمی خلق آسرا سرنگون کردند. اما حالا که رژیم شاه به زباله‌دان تاریخ افکنده شده، برخلاف انتظار آنها، نه تنها قسم های عسلی در جهت برآوردن شدن آرزوهای این زحمتکنان برداشته نشده بلکه دولت کنونی کوشش میکند وضع را به‌روای سابق ادامه دهد: ادامه همان بی‌خانمانی مسریم و برمسیت شناختن حق بزرگ مالکی پراراضی عسلی و خانه ها و آپارتمانها، یعنی ادامه سلطه همان

مفتخوران زالو صفت بر هزاران خانه و آپارتمان. امروز فقط در تهران بیش از ۶۰ هزار واحد مسکونی آماده و دهها هزار واحد مسکونی نیمه‌تمام نظیر شهرک اکباتان و شهرک غرب وجود دارند که اکثری متعلق به سرمایه‌داران وابسته و درباریان و مزدوران کشور های غارتگر خارجی هستند که هرکس از ترس جان بی ارزش خود فرار را برقرار ترجیح داده‌اند.

مردم زحمتکش آلونک‌نشینان و زاغه‌نشینان که خطر سیل و نابودی هم‌روزه زندگیشان را در معرض نابودی قرار می‌دهد و همین چند روز پیش بود که هزاران خانه در جنوب تهران طعمه سیل گردید، راستی به خود حق می‌دهند که این آپارتمانها و خانه های خالی را تصرف کرده و از آنها بهره‌برداری کنند. آنها از دولت موقت میخواهند که از این خواست آنها پشتیبانی کند. اما می‌بینیم در چند مورد که زحمتکنان دست به این کار کرده‌اند با برخوردن مقامات دولتی و بروبر و آنها را خرابکار و اخلاک‌گر نامیدند.

در هفته های اخیر در تهران و شهرستانها از جمله در قصر شیرین و سنندج و آبادان اقدامات قاطعی برای تصرف چنین خانه‌ها و آپارتمانهایی به عمل آمده است. در

ما راه مبارزه را...

بقیه از صفحه ۵
آنها می‌روند تا دستگیرشان کند. اما چاقوکاری با بیل ضربه کاری بر سر اومیزد. در این موقع چند نماینده از کمیته امام وارد صحنه میشوند و تعدادی از طرفین را دستگیر میکنند سپس به مرورزمان عاملین اصلی که کارفرما و عواملش می‌باشند آزاد میشوند. حاصل این درگیری ۱۲ زخمی است که دوفز نشدیدا آسیب دیده بودند. یکی از آنها ناصر بود که ابتدا به قزوین و سپس به تهران منتقل میشود ولی به علت شرایط وخیمش شهید میشود.
مرکض ناصر برای ما بسیار سنگین است، ولی ماماندهایم و راهی دراز در پیش داریم، راهی که ناسرها رفتانند ما نیز خواهیم رفت، راه شهادت به خاطر طبقه کارگر. یاد شهید را با ادامه راهش همیشه زنده می‌داریم، نقش برجسته خون‌شهید در مبارزات پیگیر ما برجسته‌تر خواهد شد.
سرمایه‌داران هم‌روزه دسراسر کشورست به توطئه های رنگارنگی میزنند تا بین کارگران تفرقه بینانند.
ولی ما چه می‌خواهیم؟ چه کسانی بالاخره پیروز میشوند؟ و حق با کس است؟
مسلم است ما کارگران شب و روز زحمت می‌کنیم که آینده را از آن خودمانیم، ما خوب میدانیم که حق ما بوسیله سرمایه‌دارها غوربه میشود بخاطر همین است که مبارزه می‌کنیم، خون می‌دهیم و انقلاب می‌کنیم. و در این راه جان‌پرکف

اتحاد کارگران ضامن پیروزی است

اتحاد ما، واقعا اگر کارگران باهم متحد نشوند هیچ نیروی نمی‌تواند جلوی آنها ایستادگی کند.
امروز چه می‌خواهیم؟
ما کارگران پیرو راه ناسرطمان خواستار انجام نکات زیر هستیم:
۱- محاکمه مسببین اصلی این توطئه ناچوانریدانه بخصوص کارفرما، در دادگاه انقلابی.
۲- دادگاه انقلابی باید حتما علنی وبا شرکت کارگران بپوژه کارگران کارخانه کوراوغلی و خانواده شهید ناصر طحان برپا شود.
۳- پرداخت حقوق کامل ناصر بخانواده شهید.
در آخر از کارگران مبارز قزوین می‌خواهیم که هبستگی خود را بیشتر کرده تا بتوانیم همه خواسته‌های خود را به اجرا درآوریم.
دوستان کارگرا! اگر ما امروز به حساب این توطئه‌گران خائن و ضدکارگر رژیم فرنا همین توطئه‌ها در انتظار ما و هر کارگری که برای احقاق حقوق کارگران مبارزمی‌کند تدارک میشود. باید به سرمایه‌داران نشان دهیم که نمی‌توانند هر آنچه را که می‌خواهند انجام دهند.
درد بر کارگر شهید ناصر طحان!
مرگ بر توطئه‌گران ضد کارگرا! مستحکم‌باد پیوند بین کارگران! پیش‌بوی ایجاد سندیکا های واقعی کارگران!
«عده‌ای از کارگران شهرسنجی البرزه»
اسفند ۱۳۵۷

گزارشی از خواسته های روستای عشایر نشین دادین علیا

قیام قهرمانانه مردم ایران برهبری امام خمینی رژیم پوسیده و پوتالی شاهنشاهی را برای همیشه درهم کوبید. دشمن را وادار به عقب‌نشینی کرد، در این قیام همه خلق های ایران و طبقات و اقشار زیر ستم و همه انقلابیون دوشادوش هم پیا خاستند و حماسه‌ای آفریدند که در سراسر تاریخ میهن ما بی نظیر است. مردم عشایر که جزء محرومترین اقشار ملت ایران است و پیوسته در زیر یوغ خان‌ها و مالکین عشایر رنج می‌برده است مانند سایر مردم درانجام انقلاب سهمیه بوده‌اند و اکنون برای از بین بردن بهره‌کشی در مناطق عشایری این مردم رنج دیده اقدام کرده‌اند. به همین جهت ما اهالی «دادین علیا» در ۸ کیلومتری کازرون در روز سوم فروردین اجتماع کردیم و برضد خوانین راهپیمایی کردیم، شمارهایی از قبیل «مرگ بر ساواکی»، «مردم زحمتکش متحد شویم»، هرکس کار میکند باید بان بخورد و زمین از آن کسی است که روی آن کار میکند، داده شد ولی ساواکیها و خوانین که منافع خود را درخطر میدیدند مثل همیشه به تفرقه‌افکنی پرداختند و به ما برجسب های ضد دین و ضد اسلام زدند ولی ما با شرکت در رفرا ندوم و با رای دادن به جمهوری اسلامی به آنان ثابت کردیم که فقط حقوق حقه خود را میخواهیم که البته نظارت کنندگان رای گیری دوفز از افراد وابسته به رژیم سابق بودند که خودمان آنها را تصفیه و دوفز از میان خود مامور این کار کردیم بعد از این واقعه شب هنگام خوانین و وابستگان آنها به چند خانه حمله برده و زنها و مردها را با سنگ و چماق مجروح کردند و ما به کمیته امام شکایت کرده و خواسته های خود را که در زیر قید میشود اعلام نمودیم و اکنون از امام خمینی و دولت بازرگان میخواهیم که هرچه زودتر به خواسته‌های برحق ما رسیدگی کامل نمایند چون دیگر نمی‌خواهیم لحظه‌ای مثل سابق زندگی کنیم.
خواسته‌های ما اهالی دادین علیا بدین قرار است:
۱- انجام اصلاحات ارضی واقعی و تقسیم زمین های مالکان بزرگ بین مردم و کسانیکه روی آن کار می‌کنند.
۲- تشکیل شورای واقعی محلی از خود مردم محل.
۳- دستگیری کلیه خوانین ساواکی عشایر.
۴- لغو کلیه بدهی و دیون دهقانان و کارگران به شرکت تعاونی و بانکهای دولت سابق.
۵- ایجاد موسسات آموزش و بهداشتی از قبیل دبیرستان، مدرسه راهنمایی، آب لوله‌کشی و ساختن حمام و بیمارستان و ...
۶- ایجاد راه اسفالت، آوردن برق به این محل و تشکیل فروشگاه نفت.
«مرگ بر خوانین ساواکی»
«هرچه مستحکم‌تر باد پیوند همه زحمتکنان»
«نابودباد قدرت سرمایه‌داران داخلی و مالکین»

متن نامه عده‌ای از کارگران کارخانه جنرال موتورز ایران

به آقای گن مدیر عامل فراری جنرال موتورز ایران

مورخ ۶ فروردین ۱۳۵۸
۱- از جانب کارگران از شما سؤال میکنیم که شب عید کجا بودید؟ حقوق و سود ویژه ما را چه کسی باید می‌پرداخت؟ از آنهایی که خانواده‌های ما منتظر یک جفت بودند دست رنج یک ساله ما را شما و آن اخوان دزد بچیب زده و فرار را برقرار ترجیح داده بودید.
۲- آن عده از شما که صنعت ما را بالاچار وابسته به بیگانگان کرده‌اید، همیشه از پلیس و ساواک هم برای سرکوبی مبارزه استفاده میکردید. شما به یاری نوکر حلقه بگوشتان، شاه فراری میخواستید ما ایرانیان را در زنجیر اسارت و بردگی حفظ کنید.
۳- مدیریت جنرال موتورز همیشه از خدمات صادقانه ما برای پر کردن جیب گشاد خود و اربابانش استفاده کرده و اکنون نیز قصد دارد که با ایجاد مشکلات و موانع در رده اندامه تولید دوباره بردوش ما سوار شود.
۴- امیدواریم قادر باشیم که هرچه زودتر شما را به ایران بازگردانیم البته نه بعنوان مدیر عامل، بلکه برای تسلیم کردن شما به دادگاه. ضمنا بار دیگر به اطلاع شما میرسانیم که ملت ایران دیگر به امثال شما سواری نخواهد داد.
عده‌ای از کارگران

تذکر به شورا:

ما از نمایندگان خود میخواهیم که از این به بعد خیلی فوری این نوع توطئه‌ها را رسوا نمایند، چون یکی ازوظائف اصلی شورا خشی نمودن توطئه‌های کارفرماست.

جنرال موتورز ایران (شرکت سهامی خاص)
GENERAL MOTORS IRAN LTD.

Registration No: 10032
Tehran - Iran
P. O. BOX 34251
شماره ثبت: ۱۰۰۳۲
تهران - ایران
ک. پ. ۳۴۲۵۱

ممنون شمریمه سلکس در راستای آقای کسی مدیر عامل جنرال موتورز ایران

مورخ ۲۹ اسفند ۱۳۵۷

سه : کلیه کارکنان شرکت جنرال موتورز ایران

از جانب جنرال موتورز و سایر اعیان مسران خارجی جنرال موتورز سرکات خود را بمناسبت فرارسیدن نوروز به کلیه کارکنان جنرال موتورز ایران و خانواده های آنان اسلاخ مداریم.

آن عده از ما که بالاچار در خارج از ایران ساعد توسعه و پهنوسهای ایران بوده‌ایم شماست متشاوریم نفس خود را در فبال روشی که ما و سایر زحمتکنان تمام ایران با بدان وسیله بر مشکلاتناش افشاده‌اند اصرار داریم.

مدیریت جنرال موتورز همسین ساس خود را بخاطر ادامه دادن با دماغه ما با وجود مشکلات حاضر در شرکت جنرال موتورز ایران مقدم مدارد.

امیدواریم قادر باشیم که هرچه زودتر به شما ملحق نده و سواسم وظیفه ما را بازی خود را مسفا" در شرکت جنرال موتورز ایران انجام دهیم. ما بار دیگر شریکات خود را بمناسبت فرارسیدن مالی برابر کاساسی و مومندس با یکسک شما اسلاخ میدارم.

جنرال کس

مدیر عامل

آتش زدن روزنامه ها يك اقدام ضدانقلابی است

در تاریخ یکشنبه نوزدهم فروردینماه که دوتن ازرقای ما در خیابان آیزنهاور مشغول فروختن نشریه کار و پخش کردن اقداماتی وحشیانه از اعلامیه‌روز جهانی کارگری بودند چند نفر به آنها حمله‌ور شدند و پس از آتش زدن روزنامه‌ها کار عناصر ضد انقلابی است وخواستار مجازات این عناصر مرتجع پارس الکتریک، نژد

قطعه‌نامه روستائیان قریه مرزنگو

« ما برنجکاران روستای مرزنگو، خواسته های مشروع و برحق خود را که قطعا نیاز دیگر کشاورزان منطقه نیز میباشد بصورت قطعه‌نامه ابراز میداریم»
در برابر سیل، بی‌آبی وغیره

رنالیسم چطور پیدا شد؟

بقیه از صفحه ۴
ای رنجیز سیاه طالع ای رنجبر ستم کشیده ای آنکه جهان زندگانی دانی که ترا در آدمیت یک عمر تو در عذاب و زحمت بر سفره تو میان مردم بر مطبخ شاهزاده و خان بیچاره تو هر دوازده ماه لیکن ز تو بهتران؟! همیشه (این شعر هفتاد سال پیش در زمان انقلاب مشروطیت سروده شده است.)

چرا کارگران مبارز روغن نباتی نرگس شیراز را دستگیر کردند؟

در روز ۵۸۱۷۲ طبق نامه رسمی به اطلاع کارگران کارخانه میرسانند که ۴ نفر بعنوان کمیته نظارت بر نظم کارخانه از طرف شورای کارکنان انتخاب شده‌اند تا فعالیت های داخل کارخانه را از هر حیث کنترل نمایند. این نامه باعث اعتراض عده‌ای از کارگران می‌شود. آنها می‌گویند حالا که انقلاب کرده‌ایم، پلیس و ساواک از بین رفته و آزادی بیام مردم بازگشته، چرا باید در چنین شرایطی عده‌ای فعالیت های کارخانه را از هر حیث کنترل نمایند و آنها هم از بین خود این کارگران و کارمندان باشند. این عمل چه فرقی با گذشته دارد، هر کسی که برخلاف میل کارفرما صحبت کند بعنوان ضد انقلابی، اخلاص گر و ضد امنیت ملی سرکوب خواهد شد.

پس از تشکیل این گروه چماقدارها سه تن از کارگران مبارز را که همواره از حقوق کارگران دفاع می‌کردند (و در رژیم سابق چند مرتبه بجرم دفاع از منافع کارگران بوسیله ساواک دستگیر شده بودند) به اتهام مسخره اخلاص گر معرفی کردند. اتهام دروغینی که به آنها بستند این بود که این کارگران ویرینی را که عکس آیت‌الله خمینی در آن بود، شکسته‌اند. درحالی که در این ویرین تنها عکس کارگران نصب می‌شد.

شورای کارکنان متنی را به امضاء کارگران ناآگاه می‌رساند مبنی بر اینکه این ۳ تن اخلاص گرند و ماموران کمیته درحالی که مسلسل را روی گردن ۳ کارگر نهاده، آنها را بکمیته می‌برند که با اعتراض عده‌ای از کارگران پس از چند ساعت بر کار برمی‌گردند.

در اینجا این سؤال مطرح میشود: چرا از بین کارگران عده‌ای را برای نظارت بر کار های دیگر کارگران انتخاب میکنند و بدین طریق بین کارگران تفرقه می‌اندازند و بازم شرایط ضد کارگری بوجود می‌آورند. چرا بعد از انقلاب هم هر کسی که حرف حق بزند نحت عناوین ضد انقلابی، اخلاص گر، ضد امنیت ملی که همان حرفهای محمدرضا شاه است دستگیر و بزندان می‌افتد؟

جواب ساده است: درحالی که پلیس ضد مردمی بشکل سابق وجود ندارد و ساواک منحل شده، سرمایه‌داران و نمایندگان آنها از بین رفته‌اند. در این اوضاع و احوال تنها راه جلوگیری از فریاد های حق طلبانه کارگران تفرقه بین خود آنها است، از قدیم گفته‌اند «تفرقه بینداز و حکومت کن». این روشی است که سرمایه‌داران و نمایندگان آنها برگزیده‌اند. دستهای را مقابل دستهای دیگر قرار میدهد و از اتفاق بین آنها استفاده نموده و وضع را بصورت سابق نگه میدارند تا حق کارگر را پایمال کنند.

این وضعی است که دقیقاً در کارخانه «روغن نباتی» وجود دارد. بوسیله کارفرما و عاملین پست فطرتش بیسن کارگران تفرقه افتاده است. آنها از بیسودای عده‌ای از کارگران سوءاستفاده کرده و با حمایت ناآگاهانه آنها می‌خواهند «فریدون نواب» را که ۱۵ سال سابقه کارگری دارد، بدون هیچ دلیلی اخراج کنند. کارگران باید صفوف خود را متشکل ساخته و فریب کار فرما را نخورند.

چند شب پیش عده‌ای قفلها و شیرهای حمامها را شکسته‌اند و احتمال تخریب ماشینهای تولیدی می‌رود. این درست است که تخریب ماشینها کار صحیحی نیست ولی این تنها راه اعتراض در مقابل کارفرمای است که فرصت حق طلبی به کارگران نمیدهد.

شرایط زندگی همه کارگران یکی است. از صبح تا شب باید کار کنند و مزد بخور و نمیری دریافت دارند که آنهم کفاف زندگیشان را نمیدهد و از همه مهتر همه کارگران برای کارفرما کار میکنند نه برای خودشان بنابراین باید در مقابل کارفرما از یکدیگر دفاع کنند. وظیفه هر کارگر با شرف بخصوص «کارگران روغن نباتی» این است که امروز از این کارگر در حال اخراج که می‌رود زندگی ناچیزش را بی‌هیچ دلیلی از دست ندهد، دفاع کند.

مستحکم برباد اتحاد کارگران و زحمتکشان!
مشکل باد صفوف کارگران روغن نباتی!
درد بر کارگر مبارز «فریدون نواب»!

۵۸۱۷۱۸

اخراج کارگران مجتهد انبار و سردخانه جنرال هاوس

این شرکت از روز ۲۳ اسفند تا ۱۴ فروردین به کارگران و کارمندان که حدود ۲۴۰ نفرند مرخصی داده است. ولی پس از گذشت این مدت و پس از مراجعت

اسقف کاپوچی در گفتگو با هیئت نمایندگان سازمان ما گفت: «مرك شهدا آغاز زندگی آنها است»



از راست به چپ: مادر شهید عزیز سردمی، اسقف کاپوچی، آیت‌الله غروی

روز ۱۳ فروردین هیئت نمایندگی سازمان ما به همراه دوتن از خانواده شهدای فدائی برای دیدار اسقف کاپوچی مبارز دلیر جنبش فلسطین به محل اقامت او رفتند. دوتن خانواده شهدای فدائی عبارت بودند از روحانی مبارز آیت‌الله غروی پدر چهار شهید فدائی و مادر فدائی شهید عزیز سردمی که با استقبال اسقف کاپوچی مواجه شدند.

گزارش هیئت اعزامی سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران به ترکمن صحرا

هوستان مبارز: در این دیدار هم‌چنین هیئت نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین حضور داشتند. اسقف کاپوچی در تجلیل از نهادهای انقلاب ایران خطاب به خانواده شهدا چنین گفت: شهدائیکه در سیر جنبش انقلابی و در رابطه با اهداف انقلاب بشهادت رسیدند بنشانه لوحه‌هایی هستند که بیروزی رابشارت میدهند، مرك شهدا آغاز زندگی آنهاست.

مادر رفیق شهید سردمی در پاسخ این بیان اسقف کاپوچی گفت: به اسقف بگوئید من افتخار می‌کنم که نمونه این لوحه‌ها را به انقلاب ایران تقدیم کردم.

اسقف کاپوچی در گفتگو با آیت‌الله غروی چنین گفت: گفتگو با يك روحانی مبارز که پدر چهار شهیداست برای من مایه افتخار است

اسقف کاپوچی درحالی که به هیئت نمایندگی سازمان رو کرده بود با این سخنان از مبارزات مردم ایران تجلیل کرد: شما راه بزرگ وسخت و پرافتخاری را طی کردید تا این پیروزی را تحت رهبری امام خمینی بدست آوردید. شما در مبارزه خود همه نیروها را در مقابل یک هدف قرار داده بودید. این امرها را با اراده مبارزه‌جویانه شما، رمز پیروزیتان بود. امیدواریم ما نیز راه شما مبارزان ایران را طی کنیم. اسقف کاپوچی پیرامون مسائل فلسطینی جنبش ایران به توطئه‌هایی که آگاهانه برای ایجاد نفاق بین نیروهای خلق درحال اجراء است، اشاره کرد و گفت:

آنچه مسلم است اکنون دشمنان شما، امپریالیستها و عوامل دست نشانده آنان میکوشند مردم ایران را در مقابل هم قرار دهند. بنظر من این نه تنها وظیفه شامت که با این توطئه‌ها مبارزه کنید بلکه وظیفه ما نیز هست که در کنار همه نیرو های مبارز ایرانی با این توطئه‌ها مبارزه کنیم. ما تلاش می‌کنیم بهم خود در ایجاد تفاهم هرچه بیشتر میان نیروهای مبارز ایرانی کوشش کنیم.

اسقف کاپوچی انجام این کوششها را بنشانه وظیفه‌ای دانست که هیئت نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین در ایران باید آنرا دنبال کند.

آنها هم‌چنین درحالی که به هیئت نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین در ایران باید آنرا دنبال کند.

اسقف کاپوچی انجام این کوششها را بنشانه وظیفه‌ای دانست که هیئت نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین در ایران باید آنرا دنبال کند.

اعلامیه دانشجویان اصفهان



در مورد دانشجوی شهید

در راهیمایی کارگران اصفهان

..... و چگونه بار دیگر خون کارگر و دانشجو دردم آمیخت.

شنبه ۵۸۱۷۱۸

هنگامی که جواب خواسته های منطقی و بحق کارگران را افراد باصلاح منافع پاهرنگان با گلوله های آتشین دادند رفیق ناصر توفیقین نخستین نفر بود که بخون خود درغلطید و سپس چندتن دیگر از کارگران این جواب آتشین را گرفتند. رفیق ناصر دانشجوی سال پنجم ریاضی دانشگاه اصفهان یکی از قاتلترین افراد جنبش دانشجویی اصفهان بود. او که به آرمان طبقه کارگر عشق می‌ورزید همیشه در میان کارگران بود و به همین دلیل چندین بار توسط افسراد به اصلاح کمیته امام دستگیر و مورد ضرب و شتم قرار گرفته شده بود. هنگامیکه عناصر ضد خلقی روبروی استانداری بمسوی کارگران که برای رسیدگی بخواسته های برحقشان اجتماع کرده بودند آتش گشودند اوسینه خود را برابر گلوله‌ها سپر کرد و به آرزوی دیرین خود که شهادت در راه آرمان طبقه کارگر بود، رسید. اورا هکشتی است برای مبارزات طبقه کارگر قهرمان ایران، سوگند میخوریم که تا آخرین قطره خون خود به راهش ادامه دهیم. افتخار بر او باد

درد به تمام شهدای بخون خفته خلق

در وردشت چه میگذرد؟

در غرب سمیرم دشت وسیعی است که بیلاق ایل دره شوری است. این دشت خاکی حاصل خیز دارد که از رودخانه‌ها و چشمه‌های پر آب مشروب میشود. کوههای اطراف این دشت از مهمترین چراگاههای بیلاقی ایل قشقای است.

تا همین اواخر وردشت پوشیده از بهترین گیاهان و بوته‌های قابل چرای دامها بود در جریان اصلاحات ارضی قلابی، خوانین و مالکین برای تصاحب زمین سراسر علف زارهای دشت را حریصانه شخم زدند و باعث نابودی مراتع شدند، زمینهای آبی و مرغوب را نیز باز دویند با مامورین دولتی به اسم «مکانیزه» و کشت خصوصی و باغ به تصاحب خود در آوردند. اکنون خوانین و مالکین صاحب دهها هزار درخت در سال میلیونها تومان پول از درآمد این باغها به جیب میزنند و در کنار جمع‌کنندگی از دهقانان و کارگران کشاورزی که با نان بخور و نمیر زندگی میکنند قرار دارند.

منطقه آباد و پر درآمد «وردشت» نشان دهنده‌ی کار شاق و توان فرسایی است که مردم زحمتکش این منطقه در طول سالیان دراز انجام داده‌اند و حاصل دسترنج آنان را معدودی مفتخور به جیب زده‌اند.

تصاحب زمینهای حاصلخیز توسط متنفذین باعث بی خانمانی دهقانان و مهاجرت آنان به شهرها گردید و آنان که در منطقه ماندند این شرایط را غیر قابل تحمل دیدند. از سالها قبل قیامهای پراکنده‌ای در مقابله با فئودالها و خانها که عامل بدبختی دهقانان بودند صورت میگرفت. که همه آنها به دلیل پراکنده بودن دهقانان و اتحاد خوانین و مالکین و حمایت ژاندارمری و دستگاههای دولتی سرکوب گردیدند. این مردم که همراه زحمتکشان سراسر ایران در جنبش اخیر شرکت فعالانه و پیگیر داشتند بیش از هر زمان به حقوق خویش آگاهی یافته‌اند.

در اوج جنبش ملت ایران که بر علیه هرگونه ظلم و ستم میباشد، مالکین هنوز در فکر بیگاری کشیدن از مردم بودند. اما دهقانان با استفاده از تجربیات مبارزات گذشته خود متحد و متشکل برای گرفتن حقوق حقه خود بپا خاستند و جواب ندادنشکنی به فئودالها دادند. اتحاد و پایداری دهقانان منطقه وردشت در گرفتن حقوق حقه‌ی خود و از بین بردن هر نوع ظلم و ستم درس آموزنده‌ای است برای زحمتکشان سایر مناطق در قیام بر علیه غارتگران و مالکین.

«درد بر زحمتکشان مبارز وردشت»
«تابود باد بقایای فئودالیسم و سرمایه داری وابسته»

اخبار خارجی

اعتراض کارگران صنایع فولاد به اخراج کارگران

فرانسه - لورن روز شنبه ۷ فروردین کارگران صنایع فولاد در شهر لورنوی در منطقه لورن، طی یکسری تظاهرات و راهپیمایی به‌انامه اخراج کارگران و نقش دادگاه‌ها در حمایت از کارفرمایان، شدیداً اعتراض کردند. در همین روز حدود ۲۰ کارگر وابسته به کنفدراسیون عمومی کارگران به‌ادگاه شهر حمله کردند و پرونده‌ها را از پنجره‌ها به بیرون ریختند.

همبستگی دانشجویان با کارگران

واشنگتن - سن‌سالوادور - روز ۱۳ فروردین نیروهای دولتی در برخورد با دانشجویانی که برای پشتیبانی از اعتصاب معدنیان دست

اعتصاب کارگران صنایع فلز برزیل با پیروزی پایان یافت

برزیل - سالوپولو اعتصاب چهارروزه ۲۰۰ هزار کارگر صنایع استخراج فلز در شهر سالوپولو روز شنبه ۷ فروردین به دنبال موافقت نامه‌ای که بین نمایندگان سندیکاها و کارفرمایان امضاء رسید پایان یافت. این موافقت‌نامه در جلسه عمومی که با حضور شصت الی هفتاد هزار کارگر تشکیل شد برای گذاشته شد و بتصویب رسید.

نکات عمده این موافقتنامه عبارتست از: ۱- سندیکاهای کارگران که مورد تهاجم و اشغال نظامیان برزیل واقع شده و رهبران آن که برکنار شده بودند به حالت پیشین باز میگرددند و دولت حق دخالت در امور آنها را نخواهد داشت. ۲- دستزد کارگران در مدت اعتصاب پرداخت خواهد شد. ۳- دستزد کارگران ب میزان ۶۳ درصد افزایش خواهد یافت. در مقابل، کارگران پذیرفته‌اند باعتصاب پایان داده و کار را از سر بگیرند.